

نگاهی به پدیده فرار مغزها

دکتر محمد سید میرزایی*

چکیده

فرار مغزها، یا سرمایه از دست رفته خسارت بزرگی است که می‌تواند کشور مبدأ را به سود کشور مقصد تحت تأثیر قرار دهد و پیشرفت آن را مشروط سازد. این پدیده در جامعه شامل کسانی است که دارای صلاحیتها و توانمندیهای علمی و تخصصی برجسته‌ای‌اند که به دلایل گوناگون، اعم از اقتصادی، و بیش از آن اجتماعی، فرهنگی، روانی و سیاسی با محاسباتی که به عمل می‌آورند، مکان دیگری را برای خود و زمینه‌یابی رشد علمی مناسب‌تر می‌یابند و به تشخیص عقلانی خود، به مهاجرت اقدام می‌کنند. تجارب کشورهای مختلف حاکی از آن است که این پدیده نه تنها قابل کنترل است بلکه تحت شرایطی می‌تواند جریان مخالف نیز، به وجود آورد.

واژگان کلیدی

فرار مغزها، سرمایه انسانی، انباشت سرمایه، نظم نامتعادل، مکانیزمهای مشوق و بازدارنده.

مقدمه

گرچه بارها درباره پدیده فرار مغزها^۱ بحث شده است، اما از تکرار آن گریزی نیست، زیرا

* استاد دانشگاه شهید بهشتی

فرار مغز یا سرمایه ازدست‌رفته، خسارت بزرگی است که به نسلهای فعلی و آینده وارد آمده و خواهد آمد و همچنان بار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و سیاسی را ایجاد خواهد کرد. در طول سه سال تحقیقات، مشخص شده که از ۱۲۵ دانش‌آموز المپیادی ایران، ۹۰ نفر در دانشگاه‌های امریکا جذب شده‌اند. و در سال ۱۳۷۷ ه. ش، از مجموع ۴۱۲ متقاضی تغییر تابعیت، ۳۹۰ نفر دارای مدرک دانشگاهی بوده‌اند و در حال حاضر یکصد و پنجاه هزار از پزشکان و مهندسان ایرانی ساکن امریکا هستند. دلیل اصلی خروج نخبگان از کشورهای جهان، از جمله ایران، نیاز مادی نیست، بلکه مهمترین نیاز آنان داشتن احترام، تأمین اجتماعی، امنیت روانی، شغلی و شکوفایی است. بنابراین، اگر قرار باشد که نیروی مادی جامعه به سوی، و نیروی معنوی و فکری به سوی دیگر بار بندد، در آن صورت چگونه می‌توان آن را جبران کرد که اگر نشدنی نباشد، آسان هم نیست. اکنون این پدیده بسیاری از کشورها، حتی کشورهای صنعتی را نیز فراگرفته است. با دید خوش‌بینانه، شاید بتوان گفت از دستاورد نخبگان، تمامی بشریت بهره‌مند می‌شوند، اما کشورها تا کجا می‌توانند چنین رخدادی را به امید آینده نامعلوم بپذیرند. مسلم است که فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان، واکنشی در قبال نابرابریهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین، مهار آن منوط به تحقق اصلاحات بنیادی در زمینه‌های یادشده است.

عنوان موضوع

فرار مغزها، یکی از انواع مهاجرت با اشکال و ویژگیهای خاص خود است که تجزیه و تحلیل آن نیز باید در چهارچوب پدیده مهاجرت صورت گیرد.

ابتدا، اطلاق «مغز» شامل چه افرادی می‌شود؟ این پرسش پاسخی گوناگونی دارد. دانشمندان امریکایی معتقدند صاحبان تخصصهایی چون پزشکی، مهندسی، علوم دقیقه و تجربی، و متخصصان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، در زمره مغز به شمار می‌روند (هرمه، ۱۳۵۱: ۱۰).

نقطه مشترک این حوزه‌های تخصصی و تعاریف مختلف، شامل افراد تحصیلکرده

دانشگاهی، عالمان، مخترعان و دیگر کسانی است که در رشته‌های مختلف سطح بالای دانش و توانمندی را دارند (صالحی، ۱۳۷۱: ۲۰).

با پذیرفتن این تعریف، می‌توان گفت «جابه‌جایی» مغزها گذشته بالنسبه دوری دارد و علما و دانشمندان به دلیل امتیازات مورد توجه‌شان «مقصودی» را برمی‌گزینند، اما در مفهوم «فرار» مغزها، نقطه آغاز آن را باید به اوایل قرن بیستم نسبت داد، زیرا در پی توسعه و گسترش علم و فناوری و ظهور شرایط خاصی مانند فقدان تعادل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بین نقاط مختلف دنیا، متخصصان، نخبگان و افراد برجسته علمی، براساس انتخابی عقلانی، مکان جغرافیایی مناسب‌تری را برمی‌گزینند و اهداف خود را در آن مکانها دست‌یافتنی‌تر می‌یافتند.

بنابراین، از آنجا که این حرکت در شرایطی نابرابر و یکطرفه شکل گرفته، نتیجه و دستاورد نهایی آن شامل نقاطی شده که امتیازات مختلفی را عرضه کرده است. سازمان یونسکو نیز بر این مبنا، معتقد است که: «فرار مغزها شکل نابهنجار و یک‌سویه مبادله علمی بین کشورهاست که نتیجه نهایی آن، از آن کشورهای توسعه‌یافته است (AUN، گزارش ۲۰۰۰: ۲۰)*. این امر اشکال مختلفی یافته است:

● ظهور بسیار مغزها و ورود آنان به بازار، فقدان یا ضعف بازار در جذب آنان و استفاده ناکافی در اقتصاد، و سرانجام سرریز شدن و در پی آن جذب در اقتصادی دیگر، حرکت در این سمت، برای کشور فرستنده نه تنها سودی ندارد، بلکه خسارت جبران‌ناپذیری به دنبال دارد.

● شکل دیگر آن، حرکت در جهت مخالف، یعنی از مبدأ کشورهای دارای اقتصاد قوی به سمت کشورهای عکس آن است. این جریان نیز در تاریخ دارای سابقه و مربوط به دوران استعمار است. اهداف سیاستهای استعماری سبب شد که دانشمندان و متخصصان که در مقایسه با قدرت جذب اقتصاد آن زمان، خود را مازاد به شمار می‌آوردند، روانه کشورهای توسعه‌نیافته شوند تا در نهایت امر، نتیجه این حضور نصیب کشورهای مبدأ شود.

● مبادله مغزها نیز یکی دیگر از اشکال چندگانه است. این نوع مبادله که هم اکنون نیز انجام می‌گیرد، به شکل تعامل متقابل بین‌المللی است. انتقال دانش و دانشمند در قالب

مؤسسات و شرکتهای فراملی و بین‌المللی در چهارچوب توافقتها و مقاوله‌نامه‌های جهانی صورت می‌گیرد.

● چرخش مغزها و معنای آن این است که دانشمند یا متخصص برای افزایش دانش فنی و تخصصی خود، مدتی را در کشور دیگری سپری کرده و پس از آن، به مبدأ خود باز می‌گردد. سرانجام باید گفت فرار مغزها، در مجموعه‌ای از شرایط تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نامتوازن و نابرابر، به صورت پدیده‌ای با ویژگی‌های خاص خود در می‌آید که حاصل آن از دست رفتن سرمایه‌های انسانی با ارزش از نقطه یا نقاطی و جذب شدن در نقاط دیگر است.

نگاهی نظری

«فرار مغزها» فرایندی است که پیچیدگیها و ویژگیهای خاص خود را دارد و تحلیل نظری آن را می‌توان در محدوده حرکتی جمعیتی و در قالب سیستم جذب و دفع انجام داد. اما تأثیر شرایط مختلف تاریخی و سیاسی را نیز نباید نادیده گرفت. این پدیده به‌طور ذاتی حرکتی مهاجرتی است که تحت تأثیر عوامل گوناگون، عنوان فرار مغزها را به خود اختصاص داده است. می‌توان از واژه ملایم‌تر مهاجرت نخبگان نیز استفاده کرد.

از آنجا که مهاجرت نخبگان از شرایط ملی، فراملی یا جهانی تأثیر می‌پذیرد، تابع دو الگوی متفاوت است:

۱- الگوی ملی‌گرا^۱: استدلال در این الگو این است که توسعه اجتماعی و اقتصادی هر کشوری منوط به برخورداری از نیروی فکری و سرمایه انسانی است و هرگونه خلل و نقصانی که در آن ایجاد شود، موجب توقف یا کند شدن فرایند توسعه و ضعف ناشی از آن خواهد شد. بنابراین، هر کشوری که دارای استراتژی و راهبرد رشد و توسعه اقتصادی است، باید با استفاده از مکانیزمهای مختلف برای ثبات اقتصادی و بسترسازی پیشرفت، مانع از بروز خلأ و جذب آن در

بازار کار و تولید، با تضمین دیگر شرایط شود. بنابراین، فقدان ثبات اقتصادی می تواند عامل جابه‌جایی این سرمایه انسانی باشد.

۲- الگوی جهان‌گرا^۱: در الگوی جهان‌گرا، پدیده فرار مغزها نتیجه تأثیر و عمل بازار جهانی روی سرمایه انسانی و نیروی فکری است. بر این اساس، «سرمایه انسانی از موقعیت شغلی کم‌درآمد یا از مناطق جغرافیایی دارای توانمندی پایین به سمت نقطه مقابل آن، یعنی مشاغل پردرآمد در مناطق جغرافیایی مناسب‌تر انتقال می‌یابد. چنین جریانی دارای سود دوجانبه برای کشور فرستنده و گیرنده است و بدین ترتیب، در افزایش منابع جهانی تأثیر مثبت می‌گذارد» (گودرزی و فیض‌آبادی، ۱۳۶۹: ۱۹) (فرجادی، ۱۳۷۰: ۲).

مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها در هر دو الگو، جریانی است که باید در چارچوب پدیده مهاجرت با خصوصیات ویژه‌اش بررسی شود. مهاجرت نخبگان که به‌طور عمده دارای ویژگیهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است، باید از سه منظر ذیل مورد مطالعه قرار گیرد.

الف - دیدگاه اقتصادی: از این دیدگاه، باید به دوران اقتصاد کلاسیک که نقطه عطفی در تحلیل اقتصادی پدیده‌های اجتماعی است، بازگشت. این دوران به نام «آدام اسمیت»^۲ (۱۷۷۸)، اقتصاددان قرن هیجدهم، آراسته شده است. هم او و پیروانش معتقد بودند که «باید مهاجرت را به هر شکل آن، چون تابع قانون عرضه و تقاضاست و می‌تواند به رشد اقتصادی هر دو قطب فرستنده و گیرنده منجر شود، به‌مثابه مکانیزمی برای بازتوزیع نیروی کار دانست» (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). براساس نظریه اقتصاددانان کلاسیک، جریان جابه‌جایی نخبگان و افراد ماهر، تحت تأثیر چند عامل قرار دارد:

● با توجه به جهانی و بین‌المللی شدن علم و دانش، چنین جریانی در قالب مبادلات جهانی و بین‌المللی شکل می‌گیرد و شرایط مناسب انگیزه‌های اقتصادی را برای فرد مصمم به مهاجرت ایجاد می‌کند.

● خواسته و امیال افراد ماهر مدام در حال افزایش و گسترش است. بنابراین، خلأها و نارساییهای محلی مهم‌ترین محرکی است که عمل می‌کند. از سوی دیگر، در بعد تقاضا نیز نیروی جذب‌کننده در پی دستیابی به ماهرترین افراد است و از این‌رو، سیاستهای مشوق در بسیاری از کشورهای قدرتمند به صورت فعال وجود دارد. بدین ترتیب، رویکرد عرضه و تقاضا، فرد مهاجر را به مثابه کسی که در پی یافتن فرصت بهتری برای زندگی خود است، مورد توجه قرار می‌دهد، و از سوی دیگر، به مراکز و قطبهای علمی و صنعتی که به دنبال نیروی فکری برتر است، نگاه می‌کند (شعبانلو، ۱۳۸۰: ۵۵).

اقتصاددانان کلاسیک جدید نیز آرا و نظریات دانشمندان کلاسیک را با دگرگونیهایی براساس دیدگاههای خود ایجاد و دنبال کردند که متفکرانی چون «ساستاد» (۱۹۶۲) و «تودارو» (۱۹۷۶) از آن جمله‌اند. این صاحب‌نظران، در دیدگاه اقتصادی کلان، دو عنصر عرضه نیروی کار و دستمزدها را در رابطه با هم قرار دادند. این دو، نظریه جدیدی را تحت عنوان «نئوکلاسیکها» مطرح کردند. مفادی از این نظریه این است که هرگاه نیروی کار فراتر و بیشتر از سرمایه باشد، اثر معکوس آن در دستمزدها انعکاس یافته، آنها را کاهش می‌دهد و برعکس. بدین ترتیب انگیزه مهاجرت شکل خواهد گرفت و بدین ترتیب با کاهش نیروی کار و افزایش دستمزد در مبدأ و افزایش نیروی کار و کاهش دستمزد در مقصد تعادلی را از نظر اقتصادی ایجاد می‌کند و در طول زمان موجب کاهش فاصله دستمزد در دو نقطه مبدأ و مقصد می‌شود (زنجانی، همان).

مسی^۱ نیز در قالب همین رویکرد فرضیهایی را مطرح ساخت:

«۱. جابه‌جایی و مهاجرت نخبگان و متخصصان به علت اختلاف دستمزدها اتفاق می‌افتد و بازار کار و مکانیزمهای خاص آن نیز در این جریان تأثیر دارند.

۲. تنظیم بازار در دو نقطه مبدأ و مقصد، به دولتها امکان کنترل جریانهای مهاجرتی نخبگان را می‌دهد» (مسی، ۱۳۶۴: ۸۵).

اما تحلیل در مقیاس خرد نیز از تحلیل در اندازه کلان، تفکیک‌پذیر نیست، زیرا محاسبه سود و زیان یا فایده و هزینه به هر شکل و در هر مقطعی از زمان، در حال و آینده، و با محاسبه

درآمدهای انتظاری، از محرکهای عمده و اصلی است، زیرا در نهایت این خود فرد است که با توجه به مجموعه عوامل مثبت و منفی تصمیم‌گیری را می‌گیرد.

از این‌رو، از نظر اقتصاد جدید مهاجرت، مهاجرت رفتار یا اقدامی است که فرد نه تنها برای ارتقای سطح درآمد خود و خانواده، بلکه برای مقابله با دیگر مخاطرات اجتماعی مانند فقدان امنیت، کاهش منزلت اجتماعی و تأمین نیازهای فرهنگی انجام می‌دهد. از سوی دیگر، ممکن است انتقال بخشی از درآمد مهاجر به نقطه مبدأ، در قالب ارز خارجی، در تراز مالی بین‌المللی نیز مؤثر باشد.

مهاجرت نخبگان که تحت تأثیر جاذبه شدید جوامع صنعتی و فراعنعتی قرار دارد، ناشی از نیاز فزاینده ساختار اقتصاد پویا و دینامیک این کشورها به نیروی فکری برتر است. «این، از آن‌روست که در درجه توسعه و انباشت سرمایه در کشورهای مختلف نظامی نامتعادل و ناموزون دارد» (رئیس دانا، ۱۳۷۰: ۴۲۰).

جوهر این امر آن است که جامعه‌شناسانی چون «والرشتاین» به آن پرداخته‌اند. اساس نظر وی و پیروانش این است که «گرچه امروزه این پدیده اهمیت زیادی دارد، اما ساختار بازار جهانی، با قدمت تاریخی خود که ریشه‌های آن را در قرن شانزدهم میلادی می‌توان یافت، در پی گسترش روابط اقتصادی سرمایه‌داری به جهان پیرامونی‌اش بوده است. در نتیجه، در جهان پیرامونی گونه‌های جمعیتی آماده به جابه‌جایی شکل می‌گیرد و در نهایت منجر به توسعه سرمایه‌داری و استمرار فرایند آن می‌شود» (مسی، همان: ۱۰۳).

ب - دیدگاه سیاسی: از این منظر، مهاجرت پدیده‌ای است چند بعدی. به عبارت دیگر، عوامل متعدد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن تأثیرگذار و اشکال مختلف به آن می‌دهند. این اشکال گاهی فردی است، گاهی جمعی سازمان‌یافته، گاهی ارادی و آگاهانه با تنظیم برنامه‌های خاص خود، و گاهی اجباری به دلایل مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی. گرچه به‌طور عمده مهاجرتها تا آنجا که جنبه ارادی و آگاهانه دارد، دارای محرکها و انگیزه‌های اقتصادی است، اما در مواردی نیز غیر از آن محرکها، دلایل دیگری عامل عمده برای مهاجرت است. اگر به آنچه که مایکل تودارو درباره مهاجرتها گفته است، توجه شود، ملاحظه خواهد شد که مهاجرت

از نقطه شکل‌گیری «فکر» مهاجرت تا مرحله «عمل»، از مکانیزمی تبعیت می‌کند که دارای اجزای مختلف است.

مدل تودارو* گرچه برای مهاجرت‌های روستا - شهر تبیین شده است، اما می‌توان برخی از عناصر این مدل را در مورد مهاجرت‌های بین‌المللی نخبگان نیز مورد استفاده قرار داد. در این مدل، «تأثیر عوامل اقتصادی در تصمیم به مهاجرت غلبه دارد. اما متغیرهایی چون سیاست دولت به صورت مکانیزم‌های مشوق یا بازدارنده بازده، هزینه‌های روانی ناشی از اعمال برخی سیاست‌های محدودکننده و وجود یا فقدان دموکراسی برای تضمین جریان اطلاعاتی از راه‌های مختلف از جمله رسانه‌های همگانی، از عوامل مهم مؤثر در اتخاذ تصمیم به مهاجرت است» (تودارو، ۱۳۶۷: ۳۹۴).

از سوی دیگر، در اثر برخی تحولات و دگرگونی‌هایی که در نتیجه روابط درونی حاکمیت، منجر به بی‌ثباتی سیاسی می‌شود، نخبگان با احساس فقدان امنیت، بی‌حاصل بودن حضور خود، و سرانجام با محاسبه هزینه‌های سنگین ناشی از فرصت‌از دست‌رفته، امنیت نسبی بیشتر را در کشوری دیگر دست‌یافتنی‌تر می‌دانند و تصمیم می‌گیرند (طایفی، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

پ - دیدگاه اجتماعی: در مواردی شاید بتوان گفت که تأثیر عوامل غیراقتصادی، مانند عوامل اجتماعی، در مقایسه با عوامل اقتصادی مؤثرتر است. اگر مصادیق محرومیت نسبی در ایجاد انگیزه مهاجرت بررسی اجمالی شود، این نکته روشن می‌شود که به‌طور اساسی مهاجرت در شکل کلی آن، واکنشی است بر وجود محرومیت نسبی در زندگی اجتماعی؛ به این معنا که اگر فرد و جمع نتواند وسایل حصول به اهداف اقتصادی با ارزش را در داخل سازمان اجتماعی محقق سازد و احساس کند که اهداف اقتصادی موردنظرش در خارج از سازمانی که به آن تعلق دارد، دست‌یافتنی است، تصمیم خود را خواهد گرفت. این نکته در حیات سیاسی، و از جمله اجتماعی نیز مصداق دارد. فقدان دموکراسی و آزادی در انتخاب عمل و رفتار، بی‌آنکه موجب ضرر و زیان به غیر باشد، در حیات اجتماعی از انگیزه‌های مهم در شکل‌گیری تصمیم به

* مایکل تودارو، پدیده مهاجرت روستا - شهر را در یک مدل مفصل مورد بررسی قرار داده و در آن عوامل مختلف را در مقیاس‌های فردی و اجتماعی، که از شکل‌گیری ایده مهاجرت آغاز و به تصمیم عملی آن می‌انجامد در مدل خود قرار داده است (تودارو، ترجمه فرهادی، ۱۳۶۷).

مهاجرت است؛ به ویژه با توجه به سطح نیاز نخبگان، این امر از اهمیت مضاعف برخوردار است و در زندگی آنان جایگاه ویژه‌ای دارد.

فقدان قوانین و مقررات تسهیل‌کننده روابط اجتماعی یا اجرای مخدوش آن، جایگزین شدن ضوابط با روابط و شکل‌گیری ساختار مبتنی بر آن، فزاینده مسئولیت‌های ناشی از وظایف ارجاع‌شده در چهارچوب مدیریت‌های سطوح مختلف و دیگر مکانیزم‌های بازدارنده و مشوق، آثار تعیین‌کننده در مهاجرت دارند.

اشکال گوناگون مهاجرت نخبگان

با توجه به زمینه‌های مهاجرت نخبگان که به اختصار آمد، باید دانست که این پدیده به شکلهای متفاوت بروز می‌کند. براساس مطالعات انجام‌گرفته، برخی زمینه‌های جمعیتی - اجتماعی کشورهای جاذب و میزبان، عامل شکل‌گیری پدیده مهاجرت نخبگان و عزیمت آنان به کشورهای مقصد است. به این معنا که کشورهای مهم پذیرنده نخبگان مانند امریکای شمالی، اروپا و ژاپن، بیش از توان نظام آموزشی، و با توجه به کاهش چشمگیر نرخ باروری و حجم جمعیت جوان، به نیروی انسانی نخبه و متخصص نیاز فزاینده دارند؛ به‌ویژه اگر به کاهش تمایل جمعیت جوان بومی این کشورها برای دستیابی به تحصیلات دانشگاهی توجه شود، فزونی نیاز این کشورها به پذیرش نخبگان بهتر درک می‌شود. بنابراین، مناسب‌ترین راه برای پویایی اقتصادی و رشد علمی این کشورها، جذب نخبگان علاقه‌مند در دیگر نقاط دنیاست. این شکل از مهاجرت، مهاجرت بالفعل نام گرفته است. شکل دیگر آنکه در واقع روی دیگر سکه است، مهاجرت بالقوه، و آن این است که «برخی افراد پس از مدتی اقامت در کشور میزبان و ورود به تحصیلات دانشگاهی و کسب صلاحیت‌های علمی و فنی، به تدریج جذب اقتصاد و صنعت همان کشورها می‌شوند» (ارشاد، ۱۳۸۰: ۵۳). «همکاری با سازمانها و شرکتهای بزرگ چندملیتی و جذب در آنها، همچنین فاصله گرفتن از دنیای علم و روی آوردن به مشاغل نیمه‌علمی و فرهنگی، و حتی بازرگانی، با استفاده از یافته‌ها و تجارب علمی، از انواع و اشکال دیگر مهاجرت‌های بالقوه است» (همان: ۵۶).

پس از بررسی دیدگاهها و اشکال مختلف مهاجرت نخبگان، پرسش این است که آیا این پدیده همواره جریان یک‌سویه دارد یا می‌توان از نتایج و دستاوردهای آن بهره‌ دو سویه برد؟ پاسخ با اشاره‌ای به نظریه «بازیافت مغزها» فهمیده می‌شود. جان کلام این است که «اگر کشور مبدأ بخواهد و بتواند از منابعی که با استفاده از سرمایه دیگر کشورها حاصل شده است، بهره‌برداری کند، نه تنها زیانی نخواهد دید، بلکه سود هنگفتی را نیز نصیب خود خواهد ساخت. از سوی دیگر، صاحبان فکر و نخبگان پرورش‌یافته، با اندوخته‌های ارزشمند خود و با ایجاد پل‌های ارتباطی بین مبدأ و مقصد، بسترهای رشد سریع را برای کشور متبوع خود فراهم می‌سازند» (ساکسانین^۱، ۲۰۰۰: ۳).

برای این منظور دو راه مفید است:

راه بازگشت^۲: این به معنا برگردان مهاجران نخبه به زادگاه خود است و به نظر می‌رسد تجارب کشورهایمانند کره، سنگاپور، هند و چین موقعیت‌آمیز بوده است. البته باید توجه داشت کشورهای مبدأ با بسترسازیهایی مناسب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انگیزه‌های لازم برای اتخاذ تصمیم از سوی نخبگان به منظور مراجعت به موطن خود و ایفای نقش در قبال کسب منزلتها ایجاد می‌کنند.

راه یاگزیننه پراکندگی^۳: در این گزینه، چنین استدلال می‌شود که مهاجران به علل منافع فردی و حرفه‌ای خود، علاقه‌ای به بازگشت به وطن خود ندارند، ولی به توسعه و پیشرفت آن نیز بی‌تفاوت نیستند. بنابراین، می‌توانند بدون حضور فیزیکی، از تجربیات علمی خود به اشکال مختلف در کشور خود سرمایه‌گذاری کنند.

نگاهی به وضعیت فعلی مهاجرت نخبگان در سطح جهان

از لحاظ آماری، مهاجرت نخبگان از نیمه دوم قرن بیستم روند افزایشی داشته است. فقط طی دهه شصت میلادی، چهارصد هزار نفر نیروی انسانی ماهر به کشورهای صنعتی پیشرفته

1. Saxanian

2. Return Choice

3. Dispersa Choice

مهاجرت کرده‌اند. براساس آمار و اطلاعات «unctad»^{*}، در فاصله سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۷ م.، تعداد هشتصد و بیست و پنج هزار متخصص به امریکای شمالی مهاجرت کرده‌اند. توزیع آماری مهاجران نخبه به امریکای شمالی که می‌توان آن را بزرگ‌ترین قطب جاذب نخبگان دانست، جالب توجه است.

جدول ۱: توزیع درصد مهاجران دارای تحصیلات عالی از کل مهاجران به امریکا، در ۱۹۹۰ م.^۱

کشور	درصد
افریقای جنوبی	۷۷/۱۶
تایوان	۷۷/۶
هند	۷۵/۰۸
افریقا	۷۴/۴۲
مصر	۷۴/۷۱
غنا	۷۲/۵۸
ایران	۷۰/۰۵
فیلیپین	۶۷/۶۹
اقیانوسیه	۶۱/۵۳
کره	۵۳/۳۰
امریکای جنوبی	۴۶/۲۵
چین	۴۰/۹۳
امریکای شمالی	۱۷/۲۱
مکزیک	۱۲/۶

نکته شایان توجه در این توزیع، این است که با توجه به هزینه تحصیل در دانشگاه‌های امریکا، ورود نخبگان به آن کشور موجب صرفه‌جویی در هزینه‌های آموزشی، دست‌کم معادل ۱۳۰ تا ۲۸۰ میلیارد دلار است.^۲

* کمیسیون تجارت و توسعه وابسته به سازمان ملل متحد.

۱. رک. به: carrington & petragiache, 1998
 ۲. رک. Infozee.com

چنین دستاوردی سود سهل الوصولی برای کشورهای مقصد تلقی می‌شود، زیرا رقم عمده‌ای از فارغ‌التحصیلان، ماندن در آن کشورها و جذب شدن در اقتصاد و صنعت آنها را ترجیح می‌دهند. برای مثال، «در دوره ده‌ساله منتهی به ۱۹۹۶ م، ۶۳ درصد از فارغ‌التحصیلان کشورهای در حال توسعه، اقامت و ماندن در ایالات متحده را برگزیده‌اند (محبی، ۱۳۸۰: ۶۲). یکی از عوامل عمده ماندگاری نخبگان در کشورهای امریکا و همچنین اتحادیه اروپا و ژاپن، تفاوت‌های فاحش شرایط زندگی علمی بین کشورهای مبدأ و مقصد نخبگان است. مثلاً در بخش تحقیق و توسعه در این سه منطقه، و در زمینه نشر، ۴/۵ برابر و در آمار اختراعات ثبت‌شده، ۱۰ برابر تفاوت وجود دارد» (وقوفی، ۱۳۸۱: ۶۳). با توجه به روند موجود و استمرار شرایط نامتعادل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، اگر تفاوتها رو به افزایش نباشد، رو به کاهش نیز نخواهد بود.

علاوه بر این، در نتایج تحقیق در علل مؤثر بر مهاجرت نخبگان خاورمیانه، به عواملی نظیر دستیابی به شاخصها و استانداردهای بالای زندگی، فرصتهای مناسب برای تحصیل فرزندان و تنفر از شرایط سیاسی که هرکدام به ترتیب ۶/۶۰، ۵۰/۶۸ و ۳۷/۵ درصد نشان می‌دهند، حاکی از ادامه وضعیت موجود است. در ساختار اقتصادی دوگانه که تفاوت‌های بنیادی انکارناپذیر آن ملاحظه شد، نمی‌توان به پرشدن خلأها و تفاوتها میان پاره‌ای مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر سطوح دستمزد، قابلیت جذب، هزینه تحصیلات، آموزشهای برنامه‌ریزی‌شده رشد جمعیت، نرخ سود اقتصادی باثبات، جایگاه نیروی انسانی ماهر، پویایی فناوری و علمی که هرکدام مطالعه مستقلی را طلب می‌کند، نگاه خوش‌بینانه داشت (AUN، ۲۰۰۰: S).

اما گفتنی است که در مهاجرت نخبگان نباید برحسب معمول مبدأ و مقصد را منحصر به کشورهای در حال توسعه از سوئی و کشورهای توسعه‌یافته صنعتی از سوی دیگر دانست، زیرا براساس یافته‌های کمیته پارلمانی منابع انسانی، دانش و فناوری کشور انگلیس اگرچه به سالهای دوردست می‌رسد، می‌توان دریافت که این جریان حتی در داخل مجموعه کشورهای صنعتی نیز دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که متغیرهایی چون امکانات حرفه‌ای در ایالات متحده، درآمد شایان توجه در آن کشور، نارضایتی از شرایط حرفه‌ای در کشور مبدأ، جایگاه و منزلت نخبگان در آن و بالاخره ناامیدی و افسردگی عمومی، به ترتیب، عوامل و محرکهای حرکت نخبگان انگلیسی به ایالات متحده امریکا بوده است.

انگیزه‌ها و محرک‌های نخبگان از مبدأ کشورهای خاورمیانه که ایران نیز در این گروه قرار دارد، به مقصد ایالات متحده که بزرگ‌ترین قطب پذیرنده نخبگان است، بیشتر جلب توجه می‌کند و مشابهت‌هایی را نیز نشان می‌دهد. برای مثال، نتایج مطالعات دفتر برنامه‌ریزی فرهنگی، اجتماعی وزارت علوم و فناوری در ۱۳۸۰ ه. ش، نشان‌دهنده این واقعیت است که اهدافی مانند رسیدن به استانداردهای برتر زندگی به میزان ۶۰/۶ درصد؛ یافتن فرصت‌های مناسب برای تحصیلات فرزندان، ۵۰/۶۸ درصد؛ کنجکاوی به راز و رمز پیشرفتهای ایالات متحده ۴۳/۸ درصد؛ و بالاخره تمایل منفی به شرایط سیاسی کشور متبوع، ۳۷/۵ درصد علل و عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان را شامل می‌شود (دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی - اجتماعی، ۱۳۸۰: ۱۵).

نگاهی به علل مهاجرت نخبگان ایران

گرچه در این باره نمی‌توان به آسانی به آمار و ارقام معتبر دست یافت، ولی به‌طور کلی می‌توان به مطالعاتی که نمایندگی‌های مربوط به مسئله، مانند سرپرستی دانشجویان ایرانی در کانادا، انجام داده‌اند، اشاره کرد. در تحقیق این سازمان در ۱۳۷۵ ه. ش، از میان عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان که مشتمل بر بیش از بیست مورد است، مواردی مانند وضعیت سیاسی، اجتماعی و علمی کشور محل تحصیل، نابسامانی در ارسال و پرداخت مقرری و حتی ثبت‌نام دانشجویان در دوران تحصیل، قطع ارتباط فرهنگی و اعتقادی تحت تأثیر فرهنگ حاکم در کشور مبدأ، وجود شرایط مناسب تحصیل فرزندان در مقاطع دبستان و دبیرستان و تسهیلات ورود به دانشگاه برای سنین بالاتر در کشور مقصد، تشویق خانواده‌ها برای ادامه اقامت و برشماری مشکلات معیشتی، کمبودها و دیگر نارسایی‌های مشابه در کشور مبدأ، نامشخص بودن جایگاه استاد پس از بازگشت به کشور و ضعف امکانات تحقیق، پایین بودن منزلت معلم و محقق، فقدان تغذیه فرهنگی و خبری دانشجویان و خانواده او در دوران تحصیل، انتشار اخبار و اطلاعات نامطلوب از جانب کسانی که به تازگی از کشور مراجعت کرده‌اند و دیگر دلایل مشابه، در بازنگشتن نخبگان به کشور، تأثیر داشته است» (وقوفی، ۱۳۸۱).^۱

۱. نقل به معنا. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: وقوفی، ۱۳۸۱.

همچنین سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نیز در گزارش تحقیق خود به عوامل مشابه مؤثر بر مهاجرت نخبگان اشاره دارد. این سازمان در دسته‌بندی‌ای با اشاره به عوامل اجتماعی، به مواردی از قبیل فضای اجتماعی نامناسب، بی‌توجهی به شأن و منزلت علم و عالم، فقدان یا کمبود استادان باتجربه، به‌ویژه در رشته‌های فنی، و در بخش اقتصادی به مواردی چون تفاوت کیفیت زندگی، و سرانجام در حوزه سیاسی به مواردی از قبیل احساس بی‌ثباتی سیاسی، بی‌دوام بودن قوانین و تبعیض در اجرای آنها، برخوردهای نامطلوب با اصحاب اندیشه؛ و نیز بر اساس مطالعه‌ای موردی، به پایین بودن میزان استفاده به‌جا از تخصص در کشور، روشن نبودن آینده شخصی در کشور و باور به دستیابی به شغل و آینده بهتر در خارج از مرزها، اعتقاد به پایین بودن منزلت اجتماعی نخبگان و بالا بودن آن در خارج از کشور، فقدان احساس رضایت از گذران اوقات فراغت و آزادی فردی به‌منزله عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان و سرمایه‌های از دست‌رفته، و مراجعه نکردن آنان به کشور قلمداد شده‌اند (محبیان، ۱۳۷۹).^۱

نتیجه‌گیری

آنچه به اختصار گذشت، نشان می‌دهد که پدیده مهاجرت نخبگان در حالت کلی باید در فضای مفهومی مهاجرت و برحسب الگوی «جذب و دفع» بررسی شود، زیرا حرکت (جابه‌جایی) تحت تأثیرات مثبت و منفی دو عامل جذب و دفع شکل می‌گیرد و مجموع عوامل حاصل از این دو نوع، نشان داد که تقریباً عمومیت دارند. بنابراین، در حوزه اجتماعی و فرهنگی کاهش احساس فقدان اطمینان به آینده و تقویت حس اعتماد، رفع محدودیتهای اجتماعی و فرهنگی و احترام به آزادیهای فردی، اصلاح ناکارآمدی در مدیریتها و جایگزین ساختن آن با صلاحیتهای و شایستگیها در مقام عمل، حاکم کردن معیار و ضوابط علمی و عقلانی و کنار نهادن هرگونه معیار مبتنی بر روابط در شئون مختلف قضایی، حقوقی و غیره، در حوزه سیاسی، رفع بی‌ثباتی و ناامنی سیاسی و تقویت حس اعتماد عمومی به پایداری و ثبات سیاسی مؤثر برای عموم در جهت مشارکتهای آگاهانه در حیات سیاسی، به‌ویژه در مورد نخبگان، خنثی ساختن

۱. نقل به معنا. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: محبیان، ۱۳۷۹.

عوامل بحران‌زای داخلی و خارجی و تقویت زمینه‌های همکاری و تفاهم؛ و در حوزه اقتصادی، رفع عوامل منفی مؤثر بر ثبات اقتصادی و تقویت زمینه‌ها و عوامل پویایی آن، از بین بردن احساس تبعیض در برخورداری از دستاوردهای اقتصادی و بازنگری اصولی نسبت به جایگاه و منزلت اقتصادی علم و عالم می‌تواند در مهار پدیده مورد بحث مؤثر باشد.

گرچه ممکن است چنین به نظر برسد که در این بخش آمال و آرزوها بیان شده‌اند، اما یک اصل را نباید نادیده گرفت و آن اینکه، فقدان استراتژی یا راهبرد عملی مؤثر در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، در هر حال پیامدهای پیش‌بینی نشده از جمله مهاجرت نخبگان را به دنبال خواهد داشت. اگرچه اتخاذ سیاستهای مختلف برای مراجعت نخبگان به گونه‌ای که در برخی از کشورها مانند چین، سنگاپور، مالزی و... صورت گرفته، ممکن است مفید واقع شود، اما وضع مقررات و قوانین الزام‌آور می‌تواند تنها صورت مسئله را نشان دهد، در حالی که کنه و عمق مطلب مورد توجه کافی قرار نگرفته است.

مراجعت پایدار نخبگان به موطن خود در تحقق امنیت خاطر و اخذ تصمیم آگاهانه و ارادی آنان از سویی و درک مخاطرات چندبعدی در ادامه روند مهاجرت نخبگان از جانب زمامداران حکومتی از سوی دیگر، در هر کشوری نهفته است.

منابع

الف - منابع فارسی

- ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۰)، «مبانی نظری فرار مغزها برحسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۵.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، دکتر غلامعلی فرجادی، برنامه و بودجه.
- رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۷۰)، «بازگشت متخصصان»، جامعه سالم، ش ۲، س ۱.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران: سمت.
- شعبانلو، رحیم (۱۳۸۰)، بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- صالحی، فروزنده (۱۳۷۱)، مروری بر پدیده فرار مغزها در ایران و علل آن، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- طایفی، علی (۱۳۸۰)، نگرش نظام‌مند در بررسی علل و عوامل مؤثر بر خروج نیروهای تحصیلکرده از کشور، همایش بررسی مشکلات و چشم‌انداز اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی.
- طلوع، ابوالقاسم (۱۳۷۹/۴/۲۷)، «فرار مغزها؛ جذب مغزها؛ گردش مغزها»، حیات نو.
- فرجادی، غلامعلی (۱۳۷۰)، «فرار مغزها و اثرات آن در کشورهای جهان سوم»، سمینار برنامه‌ریزی و توسعه.
- گودرزی، محسن و فیض‌آبادی، اسماعیل (۱۳۶۹)، «خروج نیروهای متخصص از کشورهای جهان سوم»، گزیده مقالات سازمان برنامه و بودجه.
- محبی، شهرام (۱۳۸۰)، بررسی پدیده فرار سرمایه (فیزیکی و انسانی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

- محببیان، امیر (۱۳۷۹)، «مهاجرت نخبگان سیاسی - اجتماعی»، جام هفته، ش ۱۴۲.
- مسی، داگلاس (۱۳۶۴)، «نظریه‌های مهاجرت بین‌المللی، بازنگری و ارزشیابی»، ترجمه پریدخت وحیدی، گزیده مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، ش ۱۴۳.
- وقوفی، حسن (۱۳۸۱)، فراز مغزها، نشر زهد.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۰)، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی - اجتماعی.
- هرمه، گی (۱۳۵۱)، مهاجرت مغزها، ترجمه خلیل هراتی، نگین.

ب - منابع لاتین

- AUN, Report (2000), "Study of Concept and Causes of Brain Drain".
- Saxenian, A. (2000), "Brain Elrain or Brain Circulation?" Modern Asia Series, Harvard University. Asia Center.
- Carrington, W.J. & Detragiache, E. (1998), How is Brain Drain? Working Paper. No.102.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی